

متن پرسش

سلام مجدد خدمت استاد محترم: ناظر به سوال شماره ۳۹۸۱۹، برداشتم از صحبت های شیخ این بود که با وجود آنچه که ایشان می فرمایند که بسیار هم قابل تأمل و درست هست، اما با توجه به مباحث شما این نحوه آسیب شناسی را کامل نمی بینم که فقط ریشه ی مشکلات را در نفوذ دشمن اظهار می کنند، مثلاً آنچه در خصوص تقلیل قشر شریف روحانیت به جهت بی مهری های مادی به آنها گفتند، در حالی که به نظر این امر به خاطر احساس عدم کارآمدی این قشر در جامعه است به جهت حاضرنبودن در تاریخ امروزین یا دیگر مباحث که به جهت عدم درک جهانی میان دوجهان بودن انقلاب توسط مسئولین کشور می باشد.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می فرمایید بالاخره این طور نیست که ما در جریان بعضی از روحانیت ضعف هایی نداشته باشیم، ولی فراموش نفرمایید روحانیت، یک فکر و فرهنگ هزارساله است که در وجدان روحانی انسان ها جای دارد و جزء فکر و فرهنگ ما شده است و از این جهت حتی آنانی که مخالف روحانیت هستند و از دین اسلام نیز جدا شده اند، به خوبی می دانند که ریشه جان آنها همان روحی است که روحانیت متذکر آن است و لذا از یک طرف روحانیون اصیل ما در زیباترین مأوای انسانیت که دلسوزی برای مردمان است و داشتن صحیح ترین راه حل، حاضرند. و از طرف دیگر مقابله با روحانیت که در واقع مقابله با ریشه های اصیل انسانیت هر انسان است، یعنی گرفتارشدن در انواع بحران ها. ای کاش حداقل آنانی که گرفتار تقابل با روحانیت شده اند متوجه می شدند که در نهایت فرسودگی و بحران روحی و پوچ انگاری گرفتار می شوند و این جا است که همین روحانیونی که اینان نفی می کنند چه اندازه غم همین افراد را می خورند. خدا می داند اکثر بالاتفاق این روحانیون که بنده البته بی گانه از شخصیت آنها نیستم و بی انتقاد هم نمی باشم، چه اندازه برای این جامعه مفید و مغتنم اند و امیدوارم مردم ما با توجه به بحران هایی که با آن روبرو می شوند به خود آیند که باید به روحانیت رجوع کنند و وجود چند نفوذی در این قشر را بهانه جداسدن از جریانی این چنین اصیل ننمایند. بنده و امثال بنده با همه نقص هایی که دارم، ولی هرچه دارم، آری! هرچه دارم از انس و ارتباط با روحانیت بوده است حتی اگر از نظر فکری سر به سرزمین های بیگانه زدم، باز مأوای خود را در وطن خود که همان حضور در جهان روحانیت اصیل است، یافتم. موفق باشید

